

شَبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۷، سال دوم، ژانویه ۲۰۰۱
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

خدا از گهواره‌های سخن می‌گوید

خدا را در خدمت خود مشاهده کنید؟ آیا مشتاقید که خدا شما را بلند کرده، برای جلال خود به کار ببرد؟ اگر چنین است، به کلام خدا که از گهواره عیسی نجوا می‌کند، گوش فرا دهید.

خدا با متکبران مخالفت می‌کند

«هر که دل مغرور دارد، نزد خداوند مکروه است»
(امثال ۱۶:۵).

«تکبر پیشروِ هلاکت است و دل
مغرور پیشروِ خرابی»
(امثال ۱۶:۱۸).

«خدا متکبران را مخالفت
می‌کند، اما فروتنان را فیض
می‌بخشد» (یعقوب ۴:۶).

تکبر و غرور درست نقطه
مقابل روحیه و طرز فکری است که
در خداوند ما عیسی مسیح
می‌بینیم. تکبر یعنی بزرگ
پنداشتن خویشتن. این حالتی
است گستاخانه مبتنی بر پرستش

خویشتن که همواره مانع جریان یافتن روح خداست؛ این روحیه
سبب می‌شود که خدا برکات خود را از ما باز دارد. تکبر و غرور
ریشه و علت اصلی گسسته شدن روابط و شکست در خدمت
است.

● غرور باعث می‌شود که به جای تمرکز بر دعوت خدا و

(ادامه در صفحه ۹)

هر سال، در روز کریسمس، وقتی می‌خوانیم که خدا چگونه از
آسمان نزول فرمود تا در میان ما انسانهای خاکی ساکن شود، به
یاد عمق محبت خدا نسبت به خود می‌افتیم. درک این نکته
دشوار است که با دیدن عیسی نوزاد که در پارچه‌های زمخت
روستایی قنداق شده و در آخوری آر미ده، در واقع خودِ خدا را
می‌بینیم. گویی جسم شدن خدا و سکونتش در میان ما (یوحنا
۱:۱۴) کافی نبود که حالا می‌بایست، نه در شکوه و رفاه کاخ

پادشاهان، که در آخوری محقر
متعلق به شخصی ناشناس چشم به
جهان بگشاید.

تولد عیسی در بر دارنده تمام
آن چیزهایی است که حقیرشان
می‌شماریم و می‌کوشیم از آنها
بپرهیزیم. او فروتنی و خواری و
فقر و ضعف را با آغوش باز
پذیرفت. اما اشتباه نکنید! چرا که
این طفل ضعیف که در گمنامی زاده
شد، همان وسیله‌ای است که خدا
برای رهایی انسان از چنگال گناه و

مرگ به کار می‌برد. او یک بار دیگر، زمانی که بر صلیب آویخته
خواهد شد، شکست خورده و ضعیف خواهد نمود، اما مرگ و
قیامت راه رهایی اسیران خواهد بود. و می‌خوانیم که خدا «او را
به غایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامها است، بدو
بخشید» (فیلیپیان ۲:۹).

همسنگران عزیز در خدمت مسیح، آیا آرزو دارید که قدرت

سرخن

خوانندگان گرامی،

همه ما دست اندرکاران مجله شبان کریسمس و سال نو را به همه شما در هر نقطه جهان که هستید، تبریک می‌گوییم. در ضمن اینکه موعظه‌های کریسمس را تهیه می‌کنید و جماعت مؤمنین خود را در جلسات پرستشی مخصوص هدایت می‌کنید، حتماً بر سخنانی که مریم بر زبان آورد، تأمل و تفکر نمایید: «جان من خداوند را تمجید می‌کند، و روح من به رهاننده من خدا به وجد آمد» (لوقا ۱: ۴۶). شادی در مرکز کریسمس قرار دارد، شادی برای اینکه خدا از ما تفقد کرده و نجاتمان داده است، شادی از اینکه او هیچگاه ما را فراموش نخواهد کرد. به همین دلیل است که برای کریسمس اینقدر موسیقی داریم. باشد که مسیح شما را از شادی کریسمس پر سازد و این شادی از شما به سوی کسانی که خدمتشان می‌کنید، جاری شود.

و اما در باره مجله شبان. با این شماره، آغاز سال دوم انتشار این مجله را جشن می‌گیریم. در طول سال گذشته، خدا نیازهای مالی و مادی ما را فراهم کرد و توانستیم انتشار این مجله را تداوم بخشیم و آن را به دست شما برسانیم. از آن دسته از خوانندگان که با ما تماس گرفتند و برکاتی را که از شبان دریافت داشته‌اند، با ما در میان گذاشته‌اند، بسیار سپاسگزاریم. فکر می‌کنم آنچه بیشتر مرا دلگرم ساخت، پیغام یکی از شبانان بود که نوشت: «فکر می‌کردم که در خدمتتم تنها هستم؛ اما الان می‌دانم کسانی هستند که به فکر من می‌باشند.»

لازم به یادآوری است که انتشار شبان خدمتی است مبتنی بر ایمان و توکل بر خدا. به همین جهت، هر گونه هدیه‌ای جهت تأمین هزینه‌های تهیه و انتشار آن، کمکی شایان خواهد بود. در صورت تمایل به اهدای هدیه، می‌توانید چک خود را به نام TALIM MINISTRIES بنویسید.

و بالاخره، مایلم قدردانی عمیق خود را به نویسندگان مقالاتمان ابراز دارم که بدون زحمات ایشان، شبان وجود نمی‌داشت. به این منظور، به‌طور خاص از برادرانم سارو، آرمان، و فریبرز تشکر می‌کنم که وفادارانه با ما همکاری کردند.

و حال که وارد سال جدید می‌شویم، لطفاً ما را در دعا‌های خود به یاد آورید تا به خداوند و کلامش وفادار باشیم.

در خاتمه لازم به تذکر است که در این شماره چاپ دنباله مقاله «کلیسای هدفمند» مقدور نشد و آن را به شماره بعدی موکول می‌نماییم. سلامتی و خوشی او با شما باشد.

تت استیوارت

سردبیر

مطالب این شماره:

- خدا از گهواره‌ای سخن می‌گوید
(تت استیوارت) ص ۱
- شعری از اسقف دهقانی تفتی
ص ۳
- و کلمه جسم گردید
(تت استیوارت) ص ۴
- خادم و تفسیر کتابمقدس
(بخش پنجم و آخر)
(آرمان رشدی) ص ۵
- موعظه کتابمقدسی (بخش دوم)
(تت استیوارت) ص ۷
- تریبون آزاد
ص ۱۰
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.

P.O. BOX 471736

Aurora, Colorado 80047-1736

U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11

Fax: +1-303-873 62 16

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت

می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر

خادمینی را که این مجله به‌دستشان

نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله

برای ایشان نیز ارسال گردد.

شادباش به مناسبت عید میلاد مسیح از سوی اسقف دهقانی تفتی

بسیار مفتخریم که در این شماره از مجله، جناب اسقف حسن برنابا دهقانی تفتی، ضمن شادباش عید میلاد مسیح، قطعه شعری را که به همین مناسبت اخیراً سروده‌اند، در اختیار مجله قرار داده‌اند.

اسقف حسن دهقانی تفتی در سال ۱۲۹۹ در شهرستان تفت از توابع یزد چشم به جهان گشود. دوران اولیه تحصیل را در یزد گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به کالج مسیحی اصفهان رفت. پس از اخذ دیپلم متوسطه و لیسانس ادبیات فارسی، در

سال ۱۳۲۴ به‌خواست خود وارد خدمت کلیسای انگلیکن شد و پس از پایان تحصیلات الهیات در دانشگاه کیمبریج (انگلستان)، در سال ۱۳۲۸، از سمت شماسی کلیسا آغاز و تا پیش از انقلاب، به مقام سراسقفی حوزه خاورمیانه نائل آمد، یعنی بالاترین درجه روحانی در نظام کلیسای انگلیکن. پنجاهمین سالگرد خدمات کلیسایی ایشان در ماه اکتبر سال ۱۹۹۹ در کلیسای جامع شهر وینچستر (انگلستان) جشن گرفته شد. اسقف دهقانی در کنار خدمات سنگین

کلیسایی، با قلم توانای خود کتاب‌های بسیاری برای تشریح ایمان مسیحی برای ایرانیان نگاشته‌اند. در شماره آتی مجله، به معرفی بعضی از آثار اسقف دهقانی خواهیم پرداخت و نشانی انتشارات مربوطه را برای تهیه این کتاب‌ها در اختیار خوانندگان گرامی قرار خواهیم داد. اسقف دهقانی همراه قطعه شعر خود، پیام تبریکی نیز فرستاده‌اند که ذیلاً درج می‌کنیم.

باطنی را برایتان آرزو می‌نمایم. خداوند با شما باد و شما را در امور هدایت و حمایت فرماید.

با محبت مسیحایی
ح.ب. دهقانی تفتی

برادران در مجله شبان از بنده خواسته‌اند که چند سطری در این نامه برای خادمان خداوند بنویسم. لذا از این افتخاری که نصیب شده است، استفاده می‌کنم و سلام گرم خود و همسر، مارگرت را خدمت خواهران و برادران تقدیم می‌دارم. ضمناً موقع را مغتنم شمرده، عید سعید میلاد خداوند مسیح را به همگی شادباش می‌گویم و سعادت و سلامت و رشد عمیق در ایمان

جنبش الهی

بجز خود جلوه دادن، خود پرستیدن
نمای خویش در آب دیدن
نیاید کاری از دست.

جهنم زندگی در این لجن‌زار
خدایا زین معما پرده بردار.



ز جنس خود مسیحا را فرستاد
که دنیا را نماید از نو آباد؛
مطیع خود کند دیو تبه‌کار،
حیات تازه‌ای آرد پدیدار.
بتابد آفتابِ مهربانی،
بگردد تازه از نو زندگانی.
زمین سرد یکسر گرم گردد،
دل بی‌رحم جمله نرم گردد.
بجای ظلم و بیداد و ضلالت،
بتابد آفتاب عدالت.

انگلستان، دسامبر ۲۰۰۰

ربوده بذر مهر از دل،
ز همدیگر گریزانند مردم.
به زنجیر گمان بد گرفتار،
ز مار کینه پیچان‌اند و بیمار،
به زندان غرور و حُب جاه و مال در
بند،
نبینی بر لبی لبخند.

جز اسمی نیست از شادی،
نه امید و نه آزادی؛
حسادت، بدگمانی، دشمنی، غیبت،
گسسته رشته مهر و محبت؛
همه ظلم است و بدخواهی،
عدالت نیست در جایی.

جهان در بند دیوی نابکار زشت
گرفتار،
فضا تاریک و ترس آور
شَرِّربار؛
مه‌آلود است و خاموش است و
مرده،
همه مبهوت و افسرده.
ز سوز باد توفنده
حرارت از جهان رفته،
درختان خشک و یخ‌بسته،
همه نومید و دلخسته.
زمین سرد و بی‌حاصل

و کلمه جسم گردید

از کشیش نت استیوارت

نبوده باشد. او خدا منهای بعضی از جنبه‌های الوهیتش نبود، بلکه تمامیت خدا بود که انسان شده بود. آن کسی که انسان را آفریده بود، حال می‌آموخت که انسان بودن یعنی چه. کسی که فرشته‌ای را سرشته بود که تبدیل به شیطان گشته بود، حال می‌آموخت که وسوسه شدن به دست او یعنی چه. او که گناه نشناخت، حال عواقب هولناک گناه را می‌آموخت آنگاه که بر صلیب زیر سنگینی گناهان ما، جدایی عذاب آور از پدر را تجربه کرد. عبرانیان ۲: ۱۷-۱۸ و ۴: ۱۵-۱۶ یادآور می‌شود که عیسی مانند ما در هر زمینه‌ای عذاب کشید و تجربه شد تا بتواند کاهن اعظم و کامل ما گردد.

اما خدا با انسان شدنش چه چیزی را ترک گفت؟ پولس رسول در فیلیپیان ۲: ۶-۷ می‌فرماید: «چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لکن خود را خالی کرد.» او خود را از چه چیزی خالی کرد؟ عیسی خودش پاسخ این سؤال را ارائه فرمود: «و الان تو ای پدر، مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم» (یوحنا ۱۷: ۵). آنچه که خدای پسر به هنگام انسان شدن ترک گفت، جلال و عزتش بود. او موقعیت پر جلال خود را در آسمان ترک گفت و انسان شد، انسانی در مقام غلام، انسانی که حاضر بود حتی در راه ما جانش را فدا کند.

اما برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند، او با

می‌فرماید: «خدا را هرگز کسی ندیده است؛ خدای یگانه که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد» (آیه ۱۸، ترجمه بر اساس قدیمی‌ترین نسخ معتبر یونانی).
حال اگر به آیات نخستین همین فصل از انجیل یوحنا بازگردیم، مشاهده می‌کنیم که یوحنا رسول عیسی را چگونه معرفی می‌کند. می‌فرماید که او ازلی و ابدی است (در ابتدا کلمه بود). او به طور کامل با خدا یکی است (کلمه نزد خدا بود). و او خداست (کلمه خدا بود). عالم هستی را او آفرید (همه چیز به واسطه او آفریده شد). و خدا جسم شد و در میان ساکن گردید (آیه ۱۴).

بادیدن چنین فیض شگفت -
 آوری، با مشاهده محبت خدا
 نسبت به ما که سبب شد جلال
 آسمان را با آخوری محقرو
 صلیبی چوین معاوضه کند،
 شایسته است که بزرگترین
 گنجینه خود، یعنی زندگی مان
 را در مقابل پایهایش بگذاریم و
 پیرستیمش.

محدودیت عقل و خرد بشر در هیچ جا همچون زمانی که در مقابل تعلیم کتاب مقدس در مورد ماهیت شخصیت عیسی قرار می‌گیریم، آشکار نمی‌شود. او واقعاً که بود؟ از این سؤال نمی‌توان به آسانی گذشت، چرا که ادیان بزرگ جهان از این ادعای عهد جدید که «کلمه» جسم گردید، لغزش خورده‌اند. بسیاری عیسی را در مقام پیامبری بزرگ می‌ستایند، و دیگران زندگی پاک و تعالیم برجسته او را تحسین می‌کنند، اما کمتر کسی از غیر مسیحیان او را به عنوان خدا می‌پذیرد. حتی بسیاری از آنانی که خود را پیرو امین او می‌شمارند، در مقابل این سؤال که آیا او هم خدا بود و هم انسان، دچار اشکال می‌شوند. بعضی بر بشریت او بیشتر تأکید می‌گذارند و دیگران بر بر الوهیت او، برخی نیز هر دو را یکسره منکر می‌شوند. در مقابل این سؤال چه باید کرد؟ کتاب مقدس واقعاً چه تعلیم می‌دهد؟

کلام خدا تعلیم می‌دهد که عیسی ناصری به طور واقعی و کامل، در آن واحد، هم خدا بود و هم انسان، و اینکه جسم شد بدون اینکه چیزی از طبیعت الهی‌اش کاسته شود. عیسی در آن واحد، هم طبیعت الهی را دارا بود، و هم طبیعت انسانی را. این هر دو طبیعت را در شخصیت تاریخی عیسی مشاهده می‌کنیم. یوحنا رسول در نخستین فصل از انجیل خود، ما را با طبیعت الهی او آشنا می‌سازد. در آیه‌های ۱۷ و ۱۸، یوحنا در باره عیسی مسیح سخن گفته،

خادم و تفسیر کتابمقدس

بخش پنجم و آخر: گامهای عملی تفسیر (ادامه)

نوشته آرمان رشدی

مطالعه، به طور طبیعی می توان استنباط کرد. ● برای درک متن باید به قواعد دستور زبان توجه کرد. یعنی باید معنی کلمات و اصطلاحات و جملات را آنطور که منظور اولیه نویسنده بوده، کشف کرد.

● برای درک متن باید به چارچوبهای تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و جغرافیایی زمان نگارش توجه کرد.

● در تفسیر لغوی، باید به سبک نگارش توجه کرد. یعنی اگر متنی حالت تاریخی، یا نبوتی، یا مکاشفه‌ای، یا رساله‌ای، یا تمثیلی دارد، ما نیز باید آن را به همان صورت درک کنیم.

با ذکر چند نمونه، این تعریف را روشنتر می‌سازیم. ماجرای باز شدن دریا در زمان موسی، رویدادی است تاریخی. برای درک آن باید در زمینه چارچوب تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و جغرافیایی آن روزگار تحقیق کنیم. این را تأویل متن می‌نامیم. اما از این ماجرا طبعاً می‌توانیم تعبیرها یا کاربردها یا درس‌های روحانی مختلفی اخذ کرد.

یا ماجرای نوح و طوفان عظیم، داستانی تمثیلی نیست، بلکه یک رویداد واقعی تاریخی است. تفسیر آن در مرحله تأویل این است که خدا بشر را به خاطر گنااهش مجازات کرد، اما عادلان را به طریقی که خودش مقرر فرموده بود، نجات داد. تعبیر یا کاربرد آن می‌تواند یکی این باشد که در روز داوری خدا تمام جهان را داوری خواهد کرد و فقط عده‌ای (دنباله در صفحه بعد)

بخشهای گذشته تعریف کردیم، انجام نمی‌شود، یعنی تلاشی برای کشف معنی اولیه متن در چارچوب تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، و فرهنگی آن، صورت نمی‌گیرد.

● در روش تمثیلی، هر کس می‌تواند بر حسب سلیقه، میل، قوه تخیل، یا گرایش فکری خود، معنای تمثیلی خاصی برای متن کتابمقدس ابداع کند.

با ذکر دو نمونه، تعریف فوق را روشن می‌کنیم. در تفسیر تمثیلی، نوح را یک عارف یا صوفی معرفی می‌کنند که برای نجات از جریانات اندیشه‌ها و فلسفه‌های پوچ زمانه، به‌همراه مریدان خود، سوار بر کشتی عرفان به خانقاهی در نقطه‌ای دورافتاده (آارات) پناه می‌برد! یا در ماجرای استر، هر یک از شخصیت‌های داستان معرف فرد یا شیئی می‌گردند که ارتباطی به اصل قضیه ندارد.

کلیسای کاتولیک با توسل به تفسیر تمثیلی بوده که توانسته نظام و سلسله مراتب کشیشان را بر اساس کتابمقدس توجیه کند؛ همین روش برای توجیه بسیاری از مراسم و آئین‌های کلیسایی نیز به کار رفته است.

تفسیر لغوی

کلیسای پروتستان معتقد به روش تفسیر لغوی است. یعنی معنی اولیه متن را همان می‌داند که هر کس به طور طبیعی استنباط و درک می‌کند. تفسیر لغوی را می‌توان اینچنین تعریف کرد:

● معنی هر متن از کتابمقدس همان است که با

در شماره‌های گذشته، علم تفسیر را تشریح کردیم و گامهای عملی لازم برای انجام آن را توضیح دادیم. در بخش آخر این مجموعه از مقالات، چند نکته مهم را تذکر می‌دهیم که توجه به آنها در امر تفسیر کتابمقدس بسیار مهم می‌باشد.

اهمیت تفسیر به روش لغوی

در طول تاریخ کلیسا، معمولاً دو نگرش یا نظریه عمده و متفاوت در تفسیر کتابمقدس وجود داشته است: یکی تفسیر به روش لغوی بوده است و دیگری تفسیر به روش تمثیلی. نخست لازم است به تعریف هر یک از این روشها پردازیم.

تفسیر تمثیلی

تفسیر به روش تمثیلی را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

● در روش تمثیلی برای هر رویداد یا مطلب در کتابمقدس معنایی تمثیلی قائل می‌شوند. یعنی اینکه افراد یا اشیاء یا رویدادهای موجود در آن را اشاره‌ای می‌انگارند به چیزهایی غیر از خودشان؛ و آنها را نماینده چیزهایی غیر از خودشان به حساب می‌آورد.

● پیروان روش تمثیلی معتقدند که در پس ماجراهای کتابمقدس معنایی پنهان و عمیق وجود دارد که فقط با روش تمثیلی می‌توان استخراجشان کرد.

● در روش تمثیلی، تأویل متن آنطور که در

در کشتی نجات مسیح رستگار خواهند شد. یا کاربرد دیگر آن می‌تواند این باشد که خدا عادلان را در مصیبت ایشان تفقد می‌کند. اما نکته مهم این است که تأویل آن، چیزی نمی‌تواند باشد جز همان رویداد تاریخی و واقعی.

اما در تفسیر لغوی، داستانی که ناتان نبی برای داود پادشاه تعریف کرد، طبعاً حالت تمثیلی دارد و به‌هنگام تفسیر، باید به این نکته توجه داشت و آن را به صورت تمثیل تأویل کرد. یا وقتی عیسی می‌فرماید که «هر که جسد مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او»، مشخص است که زبان مجازی به کار رفته و باید آن را با توجه به قواعد زبان مجازی تفسیر کرد، نه به صورت تحت‌اللفظی که گویی باید واقعاً گوشت و خون عیسی را بنوشیم.

نتیجه

خدا باید دقت نماید که به قواعد تفسیر لغوی توجه داشته باشد و به‌هنگام موعظه، تأویل را با تعبیر اشتباه نکند، و تعبیر تمثیل‌گونه ماجراها را به‌عنوان تأویل به اعضای کلیسا ارائه ندهد. اگر چنین کند، اعضا نیز خواهند آموخت که برای هر ماجرا یا متن واقعی و لغوی کتابمقدس، معنایی تمثیلی قائل شوند. این همان دامی است که کلیسای کاتولیک قرون وسطی گرفتارش شد.

اخذ الگو از زندگی مردان خدا

بسیار دیده می‌شود که واعظین در موعظه‌هایشان، یا ایمانداران در مطالعه شخصی‌شان، از شرح زندگی مردان خدا که در کتابمقدس آمده، به‌شکلی نادرست الگو می‌گیرند. برای پرهیز از این دست از اشتباهات، لازم است به تذکرات زیر توجه داشته باشیم.

● فقط آن رفتارها از زندگی مردان خدا قابل الگوبرداری است که مورد تأیید کتابمقدس قرار گرفته باشد. مثلاً از فحواي مطالب پیدایش، پی می‌بریم که رفتار یعقوب در «لوس کردن» یوسف مورد تأیید نیست. رفتار ایوب نیز در شکایت از خدا رفتاری تأیید شده نیست.

● اراده خدا برای افراد خاص، لزوماً اراده خدا برای ما نیست. اگر خدا به یوشع گفت که او و قوم خدا هر جا پیشان را بگذارند، از آن ایشان است، این به آن معنی نیست که امروز نیز ما هر جا برویم، می‌توانیم آنجا را برای مسیح فتح کنیم و همه ایمان بیاورند.

برداشت ما از وعده‌های خدا

یکی دیگر از مشکلات کلیسای امروز، این است که تمامی وعده‌های خدا را از آن همه ایمانداران به حساب می‌آورد. بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند: «وعده‌های خدا را شجاعانه بطلبیم!» گویی «تمام وعده‌های» خدا در کتابمقدس خطاب به همه ایمانداران در تمام قرون و اعصار است. در این زمینه به تذکرات زیر توجه بفرمایید:

● فقط آن دسته از وعده‌های خدا برای همه در همه دوران‌هاست که مشخصاً به این شکل ذکر شده‌اند، مثلاً این آیه معروف: «خدا جهان را آنقدر محبت نمود... تا هرکه... ایمان آورد، هلاک نگردهد.»

● وعده‌های خاص خدا به اشخاص الزاماً برای امروز نیست، مانند همان وعده خدا به یوشع که در بالا ذکر کردیم. یا وعده خدا به ارمیا که فرمود: «مگو من طفل هستم، زیرا... به هر چه که تو را امر فرمایم تکلم خواهی نمود. از ایشان مترس زیرا خداوند می‌گوید من با تو هستم و تو را رهایی خواهم داد... بدان که تو را امروز بر امت‌ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و هلاک کنی، و خراب نمایی و بنا

نمایی و غرس کنی» (ارمیا ۷:۱-۱۱). تصور نمی‌رود که خدا به هر یک از ما همین وعده را داده باشد.

● وعده‌های مشروط را فقط زمانی می‌توانیم دریافت کنیم که شرطش را به‌جا آورده باشیم. آنهایی «هلاک نخواهند شد» که «ایمان آورند.»

● بعضی از وعده‌ها حتی برای مخاطب اولیه‌شان هم جنبه‌ای مقطعی داشت و فقط در شرایط زمانی و مکانی خاصی در موردشان صدق می‌کرد؛ مانند این وعده مسیح به پولس رسول: «ترسان مباش، بلکه سخن بگو و خاموش مباش، زیرا که من با تو هستم و هیچکس تو را اذیت نخواهد رسانید، زیرا که مرا در این شهر خلق بسیار است» (اعمال ۱۸:۹ و ۱۰). این وعده فقط برای خدمت پولس در قرن‌تس بود. در جاهای دیگر، او را اذیت کردند و خلق بسیاری نیز توبه نکردند.

خاتمه

در خاتمه این مجموعه-مقالات، باید متذکر شویم که تفسیر کتابمقدس علم و هنری است گسترده و کسب دانش و مهارت آن نیاز به مطالعه فراوان دارد. در این مقالات فقط توانستیم کلیاتی در این باب بیان کنیم. به خادمین گرامی توصیه می‌کنیم که در این زمینه از کتب مفیدی که به زبانهای غربی موجود است، استفاده کنند. همچنین یادآور می‌شویم که دو کتاب بسیار ارزنده در زمینه علم تفسیر به فارسی برگردانده شده که عبارتند از:

● علم تفسیر کتابمقدس در مذهب پروتستان، نوشته پروفسور برنارد رام؛
● چگونه کتابمقدس را درست درک کنیم، نوشته دکتر گوردون فی و داگلاس استیوارت.

این کتاب‌ها را می‌توانید از انتشارات ایلام تهیه، یا از طریق دفتر مجله سفارش دهید. ■

«کلام» را موعظه کنید!

از کشیش تیت استیوارت

شنوندگان را دگرگون می‌سازد که از قلب واعظی برمی‌خیزد که یقین دارد کتابمقدس مکاشفه قطعی خداست و یگانه طریق برای شناخت اوست. او باید فرمایش پولس رسول در دوم تیموتاؤس ۱۶:۳ را بپذیرد که می‌فرماید: «تمامی کتب از الهام خداست...» و یقین بداند که فقط کتابمقدس می‌تواند قلب گناهکاران را متحول سازد؛ او باید یقین کامل داشته باشد که نامی دیگر زیر آسمان و زمین نیست که به واسطه آن بتوان رستگار شد (اعمال ۱۲:۴)؛ او باید اعتقاد راسخ داشته باشد که کتابمقدس هر آنچه را که برای زندگی مبتنی بر عدالت لازم است، در اختیار ما قرار می‌دهد. او باید با توکلی فروتنانه به روح القدس، به حضور خدا دعا کند و بعد از آن، بدون ترس و پراز اشتیاق به منبر برود و پیام کامل الهی را با امانت و انتظار موعظه کند (اعمال ۲۰:۲۷).

اشتیاق واعظ به کلام خدا

ارمیای نبی اشتیاق خود را برای اعلام (دنباله در صفحه بعد)

واعظ را در خصوص کلام مقدس خدا بررسی خواهیم کرد.

موعظه‌هایی زندگی شنوندگان را دگرگون می‌سازد که از قلب واعظی برمی‌خیزد که یقین دارد کتابمقدس مکاشفه قطعی خداست و یگانه طریق برای شناخت اوست.

اهمیت نگرش واعظ نسبت به کتابمقدس

یک خادم پیش از آنکه بدَل به واعظی توانمند گردد، باید برای خود مشخص سازد که اعتقاداتش در مورد کتابمقدس چیست. واعظی می‌تواند موعظه‌های دگرگون‌کننده ایراد کند که هم زندگی‌اش و هم پیامش تماماً منطبق با کلام خدا باشد. موعظه‌هایی که از عقل و منطق برخیزد، فقط بر عقل و منطق می‌نشیند؛ اما موعظه‌هایی زندگی

قدرت کلام خدا

«تو را در حضور خدا و مسیح عیسی... قسم می‌دهم... که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی، با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتاؤس ۱:۴ و ۲).

خدا می‌تواند جنبه‌های مختلف موعظه را با قدرت دگرگون‌کننده‌اش مسح کند؛ اما آیا هر واعظی را نیز مسح می‌کند؟ خدا واعظی را برای خدمت خود به کار می‌گیرد که کلام او را به درستی و به گونه‌ای مؤثر به کار ببرد. قدرت موعظه در کلام خدا است. از اینرو است که پولس رسول در رومیان ۱۷:۱۰ می‌فرماید: «ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا.» خدا برای ملزم ساختن و ایجاد ایمان در قلب انسان از کلام خود استفاده می‌کند، و واعظ دانا کسی است که همواره کلام خدا را با فروتنی مطالعه می‌کند تا راهی بیابد که پیام آن را به قلب‌های شکسته برساند (عبرانیان ۱۲:۴-۱۳). در این سطور، مجموعه مقالات خود را در زمینه موعظه ادامه داده، اهمیت اعتقاد

کلام خدا اینچنین بیان می‌دارد: «اگر نخواهم کلام تو را اعلام کنم و از جانب تو سخن بگویم، آنگاه کلام تو در دلم مثل آتش، شعله‌ور می‌شود که تا مغز استخوانهایم را می‌سوزاند و نمی‌توانم آرام بگیرم» (ارمیا ۹:۲۰، ترجمه تفسیری). اگر می‌خواهید کلام خدا در وجودتان همچون آتشی سوزان باشد، باید بر مطالب آن مسلط باشید و بگذارید آن نیز بر وجود شما مسلط باشد؛ باید هر روز آن را بخوانید و در مورد آن تفکر کنید، نه فقط برای تهیه موعظه بلکه برای روح خودتان. واعظ مانند مکانیکی نیست که فقط بر روی کتابمقدس کار می‌کند، بلکه مانند گوسفندی است که اجازه می‌دهد شبان نیکو با کلامش خوراکش دهد.

لذا وقتی را در طول روز اختصاص دهید تا کتابمقدس را به ترتیب از اول تا آخر، آهسته و با تأنی و تفکر مطالعه کنید و از آنچه که خدا با قلبتان سخن می‌گوید، یادداشت بردارید. وعده‌هایی را که خدا داده است، جستجو کنید؛ درس‌هایی را که می‌توانید از شخصیت‌های کتابمقدس بیاموزید، مورد توجه قرار دهید؛ در مورد آنچه که باعث جاری شدن برکات خدا می‌گردد، تحقیق کنید؛ در زمینه اطاعت از احکام او هشیار باشید؛ گناهی را که باید از آنها پرهیزید، به خاطر بسپارید؛ در مورد خدا و کارش در جهان تأمل نمایید. وقتی خود را هر روزه همچون قربانی زنده به خدا تقدیم می‌کنید، او زندگی شما را بیش از پیش تبدیل به شهادتی در مورد فیضش خواهد ساخت، و موعظه‌هایتان بیش از

پیش عطر اصالت را پخش خواهند کرد.

با چه حالتی موعظه کنیم

حال به این مطلب می‌پردازیم که شخص باید چگونه کلام خدا را موعظه کند تا باعث دگرگونی زندگی دیگران شود. بی‌شک زندگی خود شما می‌تواند نمونه قدرتمندی باشد از اینکه مسیح چطور انسان را عوض می‌کند؛ اما این کافی نیست. واعظ باید در به کارگیری کتابمقدس مهارت کسب کند. او باید بداند که کتابمقدس خودش در زمینه استفاده از خودش چه تعلیمی می‌دهد.

واعظ باید در به کارگیری کتابمقدس مهارت کسب کند. او باید بداند که کتابمقدس خودش در زمینه استفاده از خودش چه تعلیمی می‌دهد.

به این منظور، به بررسی توصیه پولس به تیموتاؤس در رساله دوم تیموتاؤس ۱۶:۳-۱۷ می‌پردازیم. با مطالعه این آیه‌ها، خواهیم کوشید راز موعظه با قدرت کلام خدا را بیابیم.

۱- معیارهای مقدس خدا را بدون ترس به جماعت خود عرضه کنید.

«تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم... مفید است» (دوم تیمو ۱۶:۳). سخن خداوندان را نیز به یاد آورید که فرمود: «حق را خواهد شناخت و حق، شما را آزاد خواهد

کرد» (یوحنا ۸:۳۲). مانند واعظی نباشید که موعظه‌اش در باره گناه را اینچنین آغاز کرد: «می‌دانم که نکاتی که در باره گناه گفتم، در باره هیچیک از شما صدق نمی‌کند.» تا زمانی که نیش گناه را حس نکنیم و قصور خود را نبینیم، احتمال کمی هست که به سوی مسیح بیابیم و شفا بیابیم. وظیفه واعظ اعلام حقیقت است، اعلام قدوسیت خدا به مردم. اگر به یک بیمار مبتلا به سرطان بگویید که کسالتش چندان جدی نیست یا اصلاً تخیلی است، لطفی در حقش نکرده‌اید. پزشکی را شجاع می‌نامیم که حقیقت را به بیمار یا خویشانش بگوید.

۲- با محبت تشخیص دهید که جماعت شما در چه قسمت‌هایی از جلال خدا قاصرند. در دوم تیموتاؤس ۱۶:۳، کلمه دیگری به کار رفته است، یعنی «تنبیه». کار شبان بسیار شبیه به کار مأمورین امنیت فرودگاه است که مسافری را از دستگاه فلزیاب عبور می‌دهند تا اشیاء غیرقانونی را بیابند. کار آنان فقط این است که شما را از دستگامی شبیه به چارچوب در بگذرانند؛ بقیه کار را دستگاه خودش انجام می‌دهد. موعظه کردن یعنی هدایت افراد به سوی نقطه‌ای که اجازه دهند خدا گناهان و جهالتشان را از طریق کلام خدا بیابد. راز موفقیت در این است که ایشان به مرحله‌ای را مورد داوری قرار می‌دهد، نه واعظ. به همین جهت است که پولس رسول می‌نویسد: «... تنبیه و توبیخ و نصیحت [نما] (دنباله در صفحه ۱۲)

(ادامه صفحه اول)

انتظاری که او از خدمت شما دارد، بیشتر بر موقعیت و مقام خود متمرکز شوید.

● غرور و تکبر باعث می شود که به جای خدمت به دیگران برای جلال خدا، دیگران را وسیله ای بسازید برای نیل به اهداف خود.

● غرور چشمانتان را می بندد، طوری که قصورات خود را نمی توانید دید.

● غرور مانع می شود که از توفیق دیگران شاد شوید.

● غرور سبب می شود که نتوانید با دیگران در اتحاد و همکاری خدمت کنید، و موجب می گردد که از خدمتتان برای کسب افتخار سود بجوید و بکشید جلالی را به دست آورید که از آن خداست. از خدا بخواهید که غرورتان را آشکارا به شما نشان دهد، زیرا تا زمانی که در مقابل او سر فروتنی فرود نیاورید، او با شما مخالفت خواهد کرد و خدمتتان را برکت نخواهد داد. او خدایی است غیور و جلالش را با هیچکس قسمت نمی کند.

خدا فروتنان را فیض می بخشد
«هر که خویشتن را فرود آرد، سرافراز گردد» (لوقا ۱۴:۱۱).

«زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید» (اول پطرس ۵:۶).

«حکمت با متواضعان است» (امثال ۲:۱۱).

«تواضع پیشرو حرمت می باشد» (امثال ۱۵:۳۳).

پولس رسول در فیلیپیان ۱:۲-۱۱ ما

را در شناخت قلب و فکر مسیح بصیرت می بخشد. توصیه من این است که این آیه ها را به مدت یکماه هر روز بخوانید و طرز فکر و حالت قلبی عیسی را مطالعه و بررسی کنید. در همین راستا، به چهار جنبه مهم از فروتنی و تواضع عیسی اشاره خواهم کرد.

۱- عیسی ارزش خود را وابسته به مقام خود نمی دانست (فیل ۲:۶). او می توانست بدون واهمه مقام خود را در آسمان ترک کند زیرا امنیت خود را در محبت و خشنودی خدا می دانست (مرقس ۱:۱۱). اگر بتوانید ارزش واقعی خود را در این بدانید که فرزند خدایید، و نظر دیگران را نسبت به خودتان ملاک ارزش خود قرار ندهید، آنگاه خواهید توانست خود را در مقابل دیگران فروتن سازید.

۲- عیسی ارزش خود را به خدمت خود نمی دانست (آیه ۸). او آزادانه هر آنچه را که پدر از او می خواست انجام می داد، زیرا او و پدر یک بودند. در خدمت به پدر، چیزی نبود که او حاضر به انجامش نباشد. او با میل خود جانش را در راه ما فدا کرد. اگر خدمت شما نیز از مسیح ناشی شود، خواهید توانست آزادانه خود را در مقابل دیگران فروتن سازید و ایشان را خدمت کنید.

۳- عیسی نیازی به محبت کسانی که خدمتشان می کرد، نداشت (آیه ۸). عیسی در راه کسانی مرد که از او متنفر بودند (رومیان ۳: ۱۰-۱۸). او نیازی

نداشت که از سوی کسانی که خدمتشان می کرد، محبت شود. او حتی می توانست پایهای یهودا اسخریوطی را بشوید با اینکه می دانست یهودا به او خیانت کرده است. اگر امنیت خود را در محبت خدا ببینید، اگر برای انگیزش به خدمت نیازی به محبت دیگران نداشته باشید، و اگر بگذارید که محبت خدا بر قلبتان حکمفرما باشد، آنگاه وارسته و فروتن دیگران را خدمت خواهید کرد.

۴- عیسی تماماً خود را تسلیم پدر کرد (۹ تا ۱۱). می خوانیم که او خود را خالی کرد (آیه ۷) و خدا نیز در مقابل، او را سرافراز نمود. درسی که از این آیات می گیریم، بسیار روشن است. اگر مشتاقید که خدا در زندگی و خدمتتان عمل کند، باید خود را خالی کنید و طبیعت گناه آلودتان را به عیسی مسیح تسلیم کنید، و بگذارید که او در شما و توسط شما کار کند. فقط و فقط در این صورت است که خدا شما را سرافراز کرده، برکت خواهد داد. برای زنده بودن باید مرد، و برای مالک بودن باید ایثار کرد.

در کریسمس امسال، خدا از یک گهواره با شما سخن می گوید. دعا می کنم که صدای او را بشنوید و دل خود را سخت نسازید، بلکه با فروتنی در مقابل او به روی در افتاده، همان کاری را بکنید که مجوسیان به هنگام سجده و پرستش او کردند.

تت استیوارت

تربیون آزاد

«همانطور که آهن، آهن را می تراشد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می کند» (امثال ۱۷:۲۷)

خشمی را نسبت به خدا در دل ما به وجود بیاورد؛ در این شرایط، تا این خشم را تشخیص ندهیم و از آن توبه نکنیم، آزاد نمی شویم. ممکن است برسید که آیا نمونه ای از این حالت در کتاب مقدس هست یا نه. تصور می کنم که اگر زندگی ایوب را در کتاب مقدس به دقت بخوانید، پی خواهید برد که ایوب به خاطر دردهایش از خدا خشمگین بود. اما در باب ۴۲ آیه های ۱ تا ۶، می بینیم که او در مقابل خدا سر تسلیم فرود می آورد و طرق او را می پذیرد. اگر قوم خدا را شبانی می کنید، آماده باشید که به افرادی بر خورید که نیاز به قدرت دارند تا از خشم نسبت به انسانها و گاه نسبت به خدا آزاد شوند. امیدوارم این توضیح بیانگر مقصودم باشد.

آمد، چون معتقدند که اولاً در کتاب مقدس چنین آیه ای وجود ندارد، و ثانیاً خدا گناهی مرتکب نمی شود و بخشیدن او بی معنی است.

پاسخ نویسنده مطلب (تت استیوارت): در پاسخ به این انتقاد به جا، بدینوسیله مقصودم را روشنتر بیان می کنم. روشن است که من نیز مطلقاً اعتقاد ندارم که خدا ممکن است خطایی مرتکب شود و لازم بشود که ما او را ببخشیم. مقصودم این بوده که ما انسانها گاه برای رنجها و دردهایمان، لب به شکایت از خدا می گشاییم. فکر می کنیم که چون خدا کنترل همه چیز را در دست دارد و مهربان و رحیم است، چرا باید در زندگی مان اینقدر متحمل رنج و بدبختی بشویم. این گونه سؤالات ممکن است ناخواسته و نادانسته

در این شماره، این صفحه از مجله را اختصاص می دهیم به نظرات و پیشنهادات همسنگران عزیز. در شماره های بعد نیز اگر خوانندگان عزیزمان نظر یا پیشنهاد یا سؤالی داشتند، این صفحه را به تربیون آزاد خوانندگان اختصاص می دهیم. سؤالات و انتقادات و نظرات شما ما را در بالا بردن سطح مجله کمک می کند. پس انتقادات خود را از ما دریغ ندارید.

سؤال در باره «طرح کلی موعظه» در شماره ۶ مجله: بعضی از خوانندگان عزیز سؤال کرده بودند که چرا در «طرح کلی موعظه» مندرج در شماره ۶، نوشته بودیم: «وقتی از خدا خشمگین هستیم، باید او را ببخشیم.» این نکته به نظر این دسته از خوانندگان نادرست

معرفی کتاب

راهنمای عبادت و مراسم کلیسایی

تعداد چاپ محدود می باشد، در نتیجه کسانی که زودتر سفارش دهند، در اولویت خواهند بود.

SBIC
PO Box 24278
SAN JOSE, CA 95154
U.S.A

ترحیم، تقدیم کودکان، دستگذاری خادمین و کشیشان می باشد.

علاقتمندان می توانند با ارسال ۷ دلار برای داخل آمریکا و ۹ دلار برای اروپا و کانادا، یک جلد «عبادتنامه مسیحی» به زبان فارسی را دریافت کنند.

لطفاً چک یا مانی اوردر خود را به نام SBIC و به نشانی ذیل ارسال دارید. از آنجا که

خبر یافتیم که همسنگرمان، کشیش فریدون اسحاق در سن حوزه، به دنبال احساس نیاز به یک راهنمای عبادت و مراسم کلیسایی در کلیسای فارسی زبان، با استفاده از عبادتنامه قدیمی کلیسای انجیلی، چنین کتابی را برای خادمین مسیحی تهیه کرده اند. این کتاب حاوی راهنمای مراسم عبادت عمومی (یکشنبه)، عشاء ربانی، تعمید، ازدواج،

طرح کلی برای تهیه موعظه

از نت استیوارت

آخور او، قلب من!

لوقا ۲: ۱-۷

و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید» (آیه ۷)

این آخور احتمالاً جایی تاریک و کثیف بود. قلب ما نیز در اثر گناه، تاریک و سیاه گشته است.

- عیسی آمده تا شما را آنطور که هستید، در آغوش بگیرد.
- عیسی آمده تا گناهان شما را ببخشد.
- عیسی آمده تا با شما مشارکت داشته باشد (مکاشفه ۳: ۲۰).

۳: آخور مظهر پادشاهی نیست (اول پطرس ۲: ۲۴)
آخور محلی حقیر و پست بود، اما به راه صلیب اشاره می‌کرد که عیسی می‌بایست بر روی آن برای گناهان جهان بمیرد.

۴: آخور جای تخت سلطنت نیست

- عیسی آمده تا ملکوت و پادشاهی‌اش را در قلب شما برقرار سازد (کولسیان ۱: ۱۶-۱۸).
- عیسی آمده تا قلب شما را مکانی برای پرستش خدا بگرداند (متی ۲: ۱۱-۱۲).

۱: مقدمه

در شب نخستین کریسمس، دو اتاق خواب کاملاً متفاوت وجود داشت:

● بستر ابریشمین و زرین قیصر اگستوس، با تمثالی خدای گونه، که بر نیمه از جهان فرمان می‌راند؛

● بستر عیسی، پسر مریم همسر یوسف، که پس از سفری طولانی و خسته‌کننده، در آخوری در بیت لحم زاده شد، زیرا برایشان در میهمانسرا جای نبود.

چه تضادی! یک پادشاه زمینی در رفاهی آسمانی به خواب می‌رود و یک پادشاه آسمانی در فقری زمینی! چه درسی از این می‌آموزیم؟

- خدا به زمین آمد تا در انسانیت ما شریک شود (یوحنا ۱: ۱۴).
- خدا به زمین آمد تا ما را از تباهی رهایی بخشد (مرقس ۷: ۲۰-۲۳).
- قلب ما جایی است ناپاک و نامناسب برای آن پادشاه آسمانی.
- بیایید ببینیم چه شباهت‌هایی میان آخور او و قلب ما وجود دارد.

۲: آخور جای پادشاه نیست

چند آگهی

- مؤسسه توزیع کاست‌های موعظه و سرودهای روحانی «شالوم» نشانی جدید خود را به آگاهی علاقمندان می‌رساند:
- کشیش احمد بیات کاست سرود جدید خود را به نام «خداوندا، بنگر اشکم» به اطلاع خادمین می‌رساند. جهت تهیه آن با نشانی زیر تماس حاصل بفرمایید:

A. BAYAT E.
GRUENER WEG. 43
35398 GIESSEN
GERMANY

SHALOM CASSETTES
POSTFACH 101615
86006 AUGSBURG
GERMANY

● آموزشگاه کتابمقدس ایرانیان در کالیفرنیا به آگاهی می‌رساند که ترم پاییزه این آموزشگاه با درس «عهدعتیق - بخش دوم» در جریان است. کشیش سارو خاچیکیان مدرس این درس می‌باشد. درس ترم بهاره «مشاوره شبانی» خواهد بود که توسط کشیش نت استیوارت تدریس خواهد شد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن و فاکس زیر تماس حاصل بفرمایید:

Tel: (818) 349 31 32

Fax: (818) 348 10 54

با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیمو ۲:۴؛ همچنین ر.ش. به دوم تیمو ۲:۲۴-۲۶).

۳- به روشنی تعلیم دهید که خدا چه نوع واکنشی از جماعت خود می‌طلبد. در همان آیه ۱۶، کلمه «اصلاح» به کار رفته است. بسا موعظه‌ها شنیده‌ایم که ما را عمیقاً ملزم ساخته‌اند، اما فکر کرده‌ایم که واعظ فقط می‌خواهد که احساس گناه بکنیم و نه چیز افزون بر آن. موعظه مبتنی بر کتابمقدس همیشه راهی برای گریز از گناه پیش روی ما قرار می‌دهد. خبر خوش این است که عیسی آمد تا ما را فدیة دهد و رهایی بخشد (لوقا ۴:۱۸-۱۹). بسیار دقت کنید که به روشنی به شنوندگان خود بگویید که چه باید بکنند. در غیر اینصورت، جماعت پس از شنیدن موعظه خواهند گفت: «خوب، چه ربطی به ما داشت؟» پسر من وقتی کوچک بود، انگشت پایش را شکست. وقتی پزشک او را معاینه

می‌کرد، دردش بسیار شدید بود؛ اما وقتی پزشک آن انگشت را بیشتر شکست، شوک وارده درد را بیشتر کرد. پزشک این کار را کرد تا انگشت به درستی بهبود بیابد. وقتی استخوانها به درستی در کنار هم قرار گرفتند، انگشت را گچ گرفت. موعظه مبتنی بر کتابمقدس شنونده را به سوی عیسی هدایت می‌کند تا به واسطه تنبیه و اصلاح، به درستی بهبود یابد.

۴- همیشه شنوندگان خود را لمیدولر سازید! آیه ۱۷ می‌فرماید: «تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود.» پولس رسول می‌خواهد ما بدانیم که وقتی تعلیم کتابمقدس به درستی به کار برده می‌شود، امید هست که انسان تغییر کرده، رشد روحانی یابد. یک واعظ خدا ترس یکبار می‌گفت که وقتی به جماعت کلیسای خود نگاه می‌کنند، آنان را آنطور می‌بیند که می‌توانند باشند، نه آنطور که در آن لحظه

هستند. هر موعظه‌ای که می‌کنید، باید گناهکاران را به سوی صلیب جلب کند، به سوی جایی که بخشایش و شفا و امید هست. وقتی پسر کوچک بود، از او می‌خواستیم که کنار دیوار بایستد تا قدش را روی دیوار علامت بزینیم. وقتی دفعه بعد، باز قدش را اندازه می‌گرفتیم، از دیدن رشد او چقدر خوشحال می‌شدیم. موعظه‌ای که باعث تشویق ایمانداران به رشد می‌گردد و به آنان این امید را می‌بخشد که خدا در زندگی‌شان کار می‌کند، موجب خرسندی خدا و شادی فرزندان او می‌باشد.

همسنگران عزیز، کلام خدا را در همه اوقات زندگی تان موعظه کنید. اجازه ندهید که فراز و نشیبهای زندگی تان شما را از مسیر خارج سازد، بلکه با امانت، بدون ترس، و با اشتیاق به موعظه کلام ادامه دهید و مشاهده کنید که خدا چه کاری از طریق خدمت شما انجام می‌دهد. ■

(دنباله ص ۴)

محدود کردن خود در مکان و زمان، طبیعت الهی خود را ترک نکرد. اگر کرده بود، پولس رسول در کولسیان ۱:۱۵ و ۲:۹ نمی‌نوشت: «او صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان... در وی از جهت جسم تمامی پری الوهیت ساکن است.» نویسنده به عبرانیان نیز نمی‌نوشت: «او فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده، به کلمه قوت خود حامل همه موجودات می‌باشد» (عبرانیان ۱:۳). و عیسی نیز هرگز نمی‌گفت: «من و پدر یک هستیم» (یوحنا ۱۰:۳۰)، و «هر که مرا دید، پدر را دیده است»

(یوحنا ۱۴:۹).

شکی نیست که تجسم رازی است فراسوی درک بشری. اما آنچه که کتابمقدس می‌خواهد که به آن ایمان داشته باشیم، این است که عیسی یک شخص است با دو طبیعت، و می‌تواند به واسطه هر دو عمل کند. او را در انجیل‌ها، هم در مقام یک انسان واقعی مشاهده می‌کنیم (لوقا ۲:۵۰؛ یوحنا ۴:۶؛ متی ۴) و هم در طبیعت الهی‌اش (او ابدی است، گناه را می‌آمزد، پرستش مردم را می‌پذیرد، و...).

به هنگام کریسمس، خدای پسر جلال خود را ترک کرد و داوطلبانه قدرت خود را محدود

ساخت، و اراده پدر را پذیرفت و خود را همچون انسان محدود نمود. او همه اینها را به خاطر رستگاری ما انجام داد. «زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید که هر چند دولتمند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید» (دوم قرنتیان ۸:۹).

با دیدن چنین فیض شگفت‌آوری، با مشاهده محبت خدا نسبت به ما که سبب شد جلال آسمان را با آخوری محقر و صلیبی چوبین معاوضه کند، شایسته است که بزرگترین گنجینه خود، یعنی زندگی‌مان را در مقابل پایبایش بگذاریم و بیرستیمش. ■